

سپهر  
سپهر  
سپهر



فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، خبری



حلول سال نو،  
بهار شکوفائی وطن

بر ملت غیور و شرافتمند افغان

ساری نادر



میبون؟

هشتم مارچ روز جهانی زن را به آرزوی سعادت و خوشبختی

زنان وطن گرامی می دارد.

سال دوم میزان تا حوت ۱۳۸۰

۲۴-۱۹



## زمستان های پارینه و نجوای یک مادر

آللو ای کودک افغان للو  
طفلك بې دارو و درمان للو  
پای لچ دشت و بیابان للو  
ای همه سوء ششم و تو حیران للو  
ای همه قواب و تو پریشان للو  
آللو ای کودک افغان للو

خانه کنون بستر قواب تو کو  
دست نواز شکر باب تو کو  
داز رس رنج و عذاب تو کو  
گونه پاکیزه و ناب تو کو  
فورده به رخ سیلی دوران للو  
آللو ای کودک افغان للو

کودک من بارش و باران رسید  
نوبت بیدار زمستان رسید  
رنج دگر غیر غم نان رسید  
قواب هیثم دیرن طفلان رسید  
طفلك بې رفعت زمستان رسید  
آللو ای کودک افغان للو

زینمه بیدار اگر بر شوی  
وارث این ملت بهتر شوی  
روزی اگر صاحب لشکر شوی  
قافله سوار مقرر شوی  
ظلم مکن به سر افغان شو  
آللو ای کودک افغان للو

عبر خردا کن که هر دمارل است  
دور رس و جردگ مشکب است  
از من و از خلق تو که خاقل است  
کوشش بیدار در آن باطل است  
می رسد این قصه به بیابان للو  
آللو ای کودک افغان للو

بیدار مادران مسود -  
پایند باد افغان

**MAIHAN**  
Magzine

Year 2, 19 - 24 Oct & Mar 2002

Price: US: \$8, EU: \$5, Asia: \$4, Aus: \$8

قیمت: ۶۰۰۰۰۰ افغانی





سال دوم، شماره ۱۹-۲۴

## مجموعه

- مؤسس و صاحب امتیاز: مهندس ثوربانی غیاثی
- سردبیر: احمد شاه فرزاد
- مدیر اجرایی: پوهنیا محمد پویا
- اجراء و تنظیم: ناصر فرزاد
- دبیر زن و جامعه: خانم نسیم دانشیار
- صفحه آرایی و طرح گرافیک: عصمت الله احراری
- زیر نظر هیأت تحریر:
- گروه ترجمه: استاد اشرفی، عبدالقیوم قندهاری، محمد امین رستم پور.
- همکاران هنری: وحید روحی، صمدی
- چاپخانه فرهنگ - تلفن: ۸۴۳۴۴۰۶
- موبایل: ۹۱۱۵۱۳۵۹۲۷



- مجله میهن از نظریات، پیشنهادات و آثار عزیزان فرهیخته و خوانندگان عزیز هموطن استقبال می کند، منتظر نظرات و آثار مکتوب و مستقیم شما خوبان هستیم.



- لطفاً مطالب ارسالی را غولها و روی یک طرف کاغذ بنویسید.
- آراء و عقاید نویسندگان، لزوماً رأی «میهن» نیست.
- مطالب ارسالی باز پس فرستاده نمی شود.
- آدرس: ایران، مشهد، میدان شهید کوشه ای، خیابان دکتر بهشتی، پهنی ۳۶ پلاک ۸۳
- صندوق پستی: ۳۴۱۸-۹۱۳۷۵
- تلفن: ۸۴۳۳۷۵۱ - ۵۱۱ - ۰۰۹۸

E-mail: maihan\_magazine @ hotmail.com

سایت وقت ایران

http://www.geocities.com/maihan\_magazine

کابل وزارت مشاورات - اداره پست

## صندوق پستی کانون فرهنگی میهن

سخن آغازین:

معادل ساختن منابع ملی/۲

اندیشه:

زمزم کونلاو/۵۰ ۲۲ دسامبر ۲۰۰۱... عبدالحمی خراسانی/۱۰۱

فرهنگ و اجتماع:

بخت/علامه شلتوت/۱۵۱ • شرح بی پیرایه/عبدالقادر آرزو/۱۸۱ • ادبیات کهن و ادبیات فلکلوریک/ناصر فرزاد/۲۴۱ • حج، کنگره بین المللی.../پویا/۲۹۱ • هرات کهن.../اعظمی قریب/۳۱۱ • نسبت دین و سیاست/۳۷۱ • از شعرا تا کردار/محمد شعیب صغری/۴۱۱ • آزادی عجب نعمتی است/حسین محله ای/۴۴۱ • اسپ ترکمن/باشچی/۴۸۱ • طنز ها و ضرب التحل/هاجمشیدی/۵۳۱ • کتاب عشق عرفانی دکتر مقصود زاده/۵۶

فرهنگ و هنر:

مجلس اتحادیه مترجمان هنرمندان.../ابراهیم حبیب ری/۵۷۱ • آشنایی با استاد تشات/۵۹۱ • پیشوایی د ستر شاعر.../آوریا خیل/۶۴۱ • سیاست:

در پیامد کافورانی بن/آرزو/۶۵۱ • ضرورت تصمیم بن.../یاغسانی/۶۷۱ • سخن رانی استاد ربانی/۷۱۱ • از بن تا کابل/۷۲۱ • متن تحلیف نامه/۷۶۱ • متن موافقت نامه بن.../۷۷۱ • بیانیه افتتاحیه محترم حامد کرزی/۸۱۱ • تصویب قانون مطبوعات.../قریشی/۸۴۱ • اولین قریبانی اداره موقت/۸۷۱ • متن سخن رانی کاظمی/۸۷۱ • درآمدی بر نظام سیاسی دکتر پیش/۹۰۱ • نبرد شیر پنجشیر/جونگر/۹۲۱ • نگاهی به پیشه ای رولف میاسی - تاریخی افغانستان و پاکستان/مهندس غیاثی/۱۰۱۱ • اسلام و دموکراسی/۱۰۵۱ • روابط بین الملل در اسلام/ابو زهره/۱۰۸۱ • فاجعه ۶ حدی/بغریزی/۱۱۰۱ • عقبه های دشوار راه آزادی/نجیب الله نجیب/۱۱۲۱ • مسعود مجاهد قهرمان/دکتر الهی/۱۲۰۱ • مسعود شهید و پاکستان/ظفری/۱۲۲۱ • متن سخنرانی مهندس نوربانی/۱۲۶۱ • هندوستانی ها و حکمروایان کابل/دکتر مولایی/۱۳۲۱ • دولت یا حکومت/احمد هاشمی/۱۳۵۱ • طالبان مردم را به کلیسا میکشاند یا.../بخیل جینی/۱۳۷۱ • چه شد که مد ما شدیم/نائب/۱۳۹۱ • سیری در سایه روشن های.../استاد نجیب/۱۴۴۱ • سفرهای آقای کورزی/نائب/۱۴۹۱ • سخن رانی محترم کرزی/۱۵۵۱ • قریبانی اردو/سید شعیب زهتورد/۱۵۷۱ • متن بیانیه دکتر حسن زاده/۱۶۰۱

در ادامه اندوه مردم:

مسعود مرد خاطره ها/مسعود صغری/۱۶۲۱ • دلبر به ویر کسی/۱۶۴۱ • به یاد مسعود شهید/دکتر امین رافق/۱۶۶۱ • احمد شاه مسعود مجاهد راه خدا/خاقانی زاده/۱۶۷۱ • در سوگ مجاهد کبیر/استمند/۱۷۰۱ • مسعود سر گذشت فاتح نامد/آروپانقلی/۱۷۲۱ • مسعود عزیز/شایق وصال/۱۸۰۱ • نامه به یک دوست/ارضا دقتی/۱۸۲۱ • وا حسرت/احمد الله یگانه/۱۸۳۱

اشعار:

داستان/۲۰۰۱

گفتگو: • گفتگو با محترم حامد کرزی/۲۲۵۱ • گفتگو با دکتر عبدالله/۲۳۸۱ • گفتگو با دکتر دهبین/۲۴۰۱ • گفتگو با سعد الله قدسی/۲۴۱۱ • گفتگو با حاجی میر/۲۴۲۱ • گفتگو با عبدالغفور آرزو/۲۴۵۱ • گفتگو با قوی کوشان/۲۴۶۱ • گفتگو با حقیقی/۲۴۷۱ • یاد ها و خاطره ها: ۲۴۹۱

نقد: • تاریخ در سرازوی دیگر/اکرم عثمان/۲۶۸۱ • یک پاسخ کلی به چند پرسش.../سپستانی/۲۷۱۱

معرفی کتاب:

پیک رانسان: ۲۸۰۱





## متعادل ساختن منافع ملی

### بنا بر منافع کلان فرهنگی و تمدنی

هویت ما چیست؟

بصورت کلی ما دارای سه گونه هویت می باشیم:

۱- هویت اعتقادی

۲- هویت فرهنگی و تمدنی

۳- هویت ملی

۱- هویت اعتقادی:

اسلام، هویت جمعی همه مسلمانان است. هویتی که، آینه دار توحید، نبوت و معاد است. معرفت دینی امت اسلامی که در هیأت مذاهب منبسط گردیده، بمثابة مسیر هایی که به قلمرو قدسی دین منتهی می گردد و دین ترسیم کننده این مسیر های فقهی و کلامی است، یانگر جگونگی فهم مؤمنان نسبت به کلام حطرت مطلق است. فهم های متنوع دینی با همه تمایز بر دور عروه الوثقای عشق مؤمنانه حلقه می زنند. بنا بر این همه فرق و تحله های فقهی و کلامی تثبیت شده، تصویر کننده عبور نور از منشور اند، نور بالذات نور است و یگانه، آنگاه که از منشور فهم انسانی عبور می کند متکثر می گردد؛ کثرتی که زرق ساخت و راز وجودی آن وحدت است، یعنی «دین خدا همانا اسلام است» و فهم های دینی «مسیر هایی اند که به این قلمرو قدسی متصل می گردند. طبعاً «مقصد» تدوین کننده منافع و مانی کلان اعتقادی سیاسی امت اسلامی است.

۲- هویت فرهنگی و تمدنی:

فرهنگ و تمدن اسلامی، هویت کلان و افتخار آفرین همه ملل اسلامی است. در آن روز گاری که اروپا اسیر قرون وسطی بود و در دل تاریکی جهل و جمود دست و پا می زد، تمدن اسلامی در اوج شکوه و پویایی قرار داشت. بدون شک تمدن اسلامی ما حاصل هسانی دانشمندی است که در جوار الهی وسیع اسلامی رانندگی می

«خود شناسی، خدا شناسی است». این حدیث عزیز که از میانی

کلان معرفت دینی ماست. بحث عمیق و دقیق در همه عرصه های فلسفی، کلامی، فرهنگی و غیره بدون شک از جگونگی «هویت» آغاز می گردد. همانگونه که انسان «وجودی ناشناخته» است، اندیشه ورز است و مظهر گزینش، عصیانگر و انتخاب کننده، به همان تناسب «اسرار خودی» و «ارموز بیخودی» انسان سخت پیچیده و غامض است، زیرا پرواز انسان از «خاک ناعدا» است:

عشق از پشت خاک آدم ریخت

آن فلز خون که رنگ عالم ریخت

چيست آدم؟ تجلی ادراک

یعنی آن فهم معنی ثو لاک

احدیت بنای محکم او

الف افتاده غلت دم او

دال او مغز اول و انجام

که در اوجد و حدت است تمام

میم آن ختم خلقت عالم

این بود لفظ معنی آدم

فلزم کاینات و هر چه در اوست

جوش یمانی حقیقت اوست

بنا بر این، بحث در پیرامون جگونگی هستی و هویت انسان،

بحثی است که تمام صاعی معرفتی را احتوا نماید.

بخاطر فشرده شدن رشته دراز دامن سخن، از تبیین جگونگی

هویت چشم می پوشم و بصورت اجمالی در برابر این پرسش فربه درنگ می نمایم:



افغانستان عملاً یارقه آزادی را در جغرافیای مشترک می‌گمراشد. تجاوز ارتش سرخ شوروی در افغانستان، چنان رنگ خطر را در جهان و منطقه می‌نوازد که بیش از همه ملل و کشور های جهان، کشور های همسایه سایه سنگین خطر را احساس می‌کنند، به همان تناسب پیروزی انقلاب اسلامی در ایران بیش از هر جایی، کشور های همسایه - ملت های هم‌دین و هم‌زبان را - غرق شمع می‌کند. همه می‌دانیم که مستقل شدن کشور هایی چون تاجیکستان، ترکمنستان، ازبکستان، آذربایجان و غیره، چه تأثیری را در تمام عرصه ها در منطقه ایجاد نموده است.

و امروز در خطوط گسست و انفصالی که بین کشور های منطقه وجود دارد سیاست های فرامنطقه ای، عملاً بدرتشت را می‌افشانند. عدم دور اندیشی و دور نگری نسبت به منافع تمدنی سبب گردیده، تا منافع ملی کشور های همسایه با هم اصطکاک نمایند. اصطکاک کی که نتیجه عدم اتخاذ سیاست های متوازن و متواضع است. اگر عنایت شود در عصری که بقای کشور ها در گرو بقای تمدن هاست، سازگار ساختن منافع ملی با منافع تمدنی امری طبیعی، ضروری و معقول محسوب می‌گردد. اقتدار ملی فقط و فقط در گرو اقتدار فرهنگ و تمدن مشترک است.

### ۳- هویت ملی

شکی نیست که در جغرافیای فرهنگ و تمدن مشترک چندین کشور مستقل وجود دارد و هر کشوری در جغرافیای سیاسی خود، نسبت به مردم و سرمایه های ملی دارای منافع کلیدی است. و حدت ملی، هویت ملی، اقتدار ملی، منافع و مصالح ملی همه و همه از مقوله های شناخته شده است.

آنچه که نیاز به تبیین دارد این حقیقت است که منافع ملی هر کشوری با در نظر داشت منافع ملی کشور های پیرامونی قابل تعریف است. رسیدن به نقطه تعادل، مساوی یا رفع تشنج است. عدالت از این منظر یعنی اتخاذ سیاست های متوازن و متواضع، احترام به منافع دیگران با حفظ منافع خودی، از اصول شناخته شده جهانی است.

اما نکته کلیدی که در این مقال و مقام می‌خواهم بدان پردازم، متعادل ساختن منافع ملی با منافع کلان فرهنگی و تمدنی است. از آنجایی که همه کشور های واقع در جغرافیای فرهنگ و تمدن مشترک، کشور های اسلامی است، عیار ساختن منافع فرهنگی و تمدنی با ارزش های لایتغیر اعتقادی از امور مسلم و تغییر ناپذیر است.

اصطکاک منافع ملی کشور های همسایه عملاً عامل تشنج در منطقه است جدال ایران و آذربایجان بر سر حوزه نفتی دریای خزر، اختلاف افغانستان و پاکستان نسبت به منطقه پشتونستان و غیره، بیانگر برتری جویی و عدم تعادل منافع است اگر منافع ملی با منافع تمدنی سازگار گردد، بر تری جویی ها، تبدیل به سیاست های

نمودند. البته در دل این تمدن مشترک، تمدن های منطقه ای در حوزه های جغرافیایی مشخص هویت تثبیت شده ای دارند. یکی از این تمدن های باشکوه متعلق به مردمی است که از کاشغر تا بحیره سیاه زندگی می نمودند. جغرافیای فرهنگی و تمدنی ما روز گاری چنین ساحه و سیعی را در بر می گرفت، گرچه امروز این جغرافیای وسیع منقسم به جغرافیای سیاسی مستقل شده است و دیگر از آنهمه شکوه فرهنگی و تمدنی خبری نیست، ولی استمرار تاریخی پیوند های فرهنگی و تمدنی بمثابة یک روح پایدار و جمعی، امروز کشور های مستقل افغانستان، ایران، تاجیکستان، ازبکستان، پاکستان و کشمیر را احاطه می نماید. به تعبیر دیگر این کشور ها در یک جغرافیای فرهنگی و تمدنی قرار دارند بویژه پیوند فرهنگی و تمدنی ایران، تاجیکستان، افغانستان، پاکستان کشمیر سخت گره خورده است. هر نوع گسست و انفصال، سبب می‌گردد تا هویت تمدنی و فرهنگی این مجموعه، خدشه پذیر و حتی مضطرب گردد.

امروز که بحث نبرد تمدن ها و گفتگوی تمدن ها از داغ ترین مباحث عصر است، ایجاب می‌کند با در نظر داشت منافع کلان فرهنگی و تمدنی، پیوند های اضلاع فرهنگ و تمدن مشترک را با تسامح و وسعت نظر استوار تر نماییم.

نیازی نیست تا تئوری ها موثل هانتینگتون را تشریح نمایم، که همه فرهیختگان با تأمل و تعمق آنرا واکاوی نموده اند. اما این نکته کاملاً اساسی و کلیدی است وقتی که در جغرافیای فرهنگ و تمدن مشترک، تر گفتگوی تمدن ها مطرح می‌گردد، نخستین پرسش این است که ما از کدام فرهنگ و تمدن نمایندگی می‌نماییم؟ تمدن اسلامی متعلق به همه کشور های اسلامی است حرکت در جهت احیاء این تمدن در عصر جدید از مسوولیت های سنگین ملل و دول اسلامی است البته ایجاد تمدن جدید در گرو رشد فکری، فرهنگی، علمی و اقتصادی همه مسلمانان است.

و این ایجاب می‌کند که حوزه های جغرافیای فرهنگی و تمدنی که در دل این جغرافیا و هویت کلان حضور تاریخی دارند، مراحل رشد و شکوفایی را طی نمایند. بنا بر این بر همه کشور های مستقر در جغرافیای فرهنگ و تمدن مشترک تاریخی واجب است، تا زمینه های احیاء و شکوفایی تمدن مشترک را بررسی و تحلیل نمایند و با کارشناسی دقیق و اتخاذ سیاست های متواضع و متوازن منافع ملی هر کشور مستقل را با منافع کلی جغرافیای فرهنگی و تمدنی، متعادل سازند و این نیازمند نگرش وسیع و سترگی است که بر تاریخ و افت و خیز های تکاملی و جذرو مدهای سیاسی، اشراف داشته باشد. بداند که فتنه مغول وقتی زبانه می‌کشد همه منطقه را به آتش می‌کشد. آنگاه که استعمار انگلیس در حوزه جغرافیایی ما سیاست سطره جویانه را در پیش می‌گیرد، منافع کلان کشور های منطقه مجموعاً ضربه می‌خورد و شکست استعمار انگلیس در



متوازن و متواضع می گردند و رفع بحران و تسخیر از امور بدیهی است. البته رسیدن به این دیدگاه نیازمند درک چگونگی هویت فرهنگی و تمدنی در عصر حاضر است.

اگر بپذیریم در نبرد تمدن ها، باید منافع تمدنی حفظ گردد، بدانیم که بقای ما در گرو بقای فرهنگ و تمدن مشترک است، در آن صورت عدالت در تمام عرصه ها یا نگرش وسیع مستولی می گردد. زیرا نجات کشتی بیش از اختلاف سر نشینان حیاتی است؛ چه خوش گفته است خداوند کار بخش (رح):

نام احمد، نام جمله انبیاء است

چون که صد آمد بد هم پیشی ماست

«صد»: منافع فرهنگی و تمدنی ماست. ارقام نهفته در «صد»

شکل دهنده منفعت خاص در فضای تأمین منافع عادلانه «هویت فرهنگی و تمدنی»، منافع ملی نیز به صورت متوازن و عادلانه تأمین می گردد و رشد می یابد. پس رسیدن به این دیدگاه کلان و جستجوی مبانی که بتواند هویت فرهنگی و تمدنی را نظام مند سازد از مقدمات این حرکت وسیع و عمیق است. زیرا با تدوین تئوری و مبانی نظری و حتی مند ساختن هویت فرهنگی و تمدنی رهیافت ها و راهکار های عملی ارائه می گردد. منافع ملی را با منافع فرهنگی و تمدنی متوازن ساختن از شاخصه های اصلی این طرح است. البته و صد البته «هویت فرهنگی و تمدنی» و «هویت ملی» فقط و فقط در برقر «هویت اعتقادی» من تواند امتزاج نماید و بمثابة استوانه ای در ایجاد سقف کلان تمدن اسلامی نقش اساسی را ایفاء نماید.

یا در نظر داشت این اجمال، باید براین محور بصورت جدی، توجه نماییم:

۱- نمک و رفع تشنگ و تش در تمام کشور های مضر در جغرافیای فرهنگی و تمدنی، از اصول مسلم این دیدگاه است.

۲- ایجاد دولت متمرکز که بتواند منزلت اقدار سیاسی تعریف شده باشد نخستین گام عسی در رسیدن به طرح کلان منافع تمدنی است.

۳- در چهارچوب اقتدار سیاسی متمرکز، بحث توسعه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی... می تواند مطرح گردد.

۴- همه کشورهای واقع در جغرافیای فرهنگ و تمدن مشترک باید در جهت ایجاد این اقتدار متمرکز و مشروع و مستقل تلاش نمایند. چون وجود جنگ و بحران در هر یک از این کشور ها مساوی با تداوم بحران در سایر کشورهای این منطقه است.

۵- با همکاری و همیاری مؤمنانه باید همه این کشور ها در سطح اقتصادی، سیاسی و فرهنگی متعادل و متوازن برسند. توازن که سبب می گردد تا ضرورت حفظ و تقویت هویت فرهنگی و

تمدنی سرلوحه فکر و عمل همه کشورهای جغرافیای فرهنگ و تمدن مشترک قرار گیرد. تجربه که در اروپا به وقوع پیوسته است.

۶- باطنی این مراحل که جز با ایثار و نفی استیثار مسیر نمی گردد، زمینه ایجاد دولت تمدنی صبر می شود، البته اگر تئوری و مبانی نظری هویت فرهنگی و تمدنی تدوین و تفهیم گردد قبول ایثار سخت سهل است.

۷- در قضا، «دولت تمدنی» که تدین شاخص ترین شاخصه آنست، تنش های مبتنی بر اصطکاک منافع ملی، بر نری جویی های ناسیونالیستی و غیره رنگ می بازند و همه منفعلات تاریخی و جغرافیایی بصورت عادلانه حل می گردد.

۸- در صورت محصور ماندن در «هویت ملی» و عدم صعود به «هویت فرهنگی و تمدنی»، بدون شک در عرصه نبرد تمدن ها و تهاجم تکنولوژی و فرهنگ های فرید، ضریب بقای هویت های ملی سخت کاهش می یابد. باید یاد داشته باشید که ما در جهانی زندگی می کنیم که بنا بر رشد تکنولوژی و ارتباطات گسترده جهانی، جهان با همه گستردگی خویش روز به روز هویت «دهکده» را می گردد. در چنین بنبوده بی بقای ما در گرو بقای فرهنگ مشترک و احیای تمدنی مشترک است. آنچه که ما را از همه غلالت ها و اضمحلال نجات می بخشد ایجاد «دولت تمدنی» در پرتو ارزش های مقدس اعتقادی است. بستر تمدنی این دولت همانا فرهنگ و تمدن مشترک تاریخی است:

کابل از لاهور چندان دور نیست

قرنیه دور از شهر نیشابور نیست

این سه کشور غمگساران هیند

در حوادث راز داران هیند

تا یلرد مطلب خود را به کف

این سه کشور هست دشمن را هدف

بدون شک تاریخ شاهد این پیوند عمیق و مشترک است.

باید با فراست مؤمنانه ز تاریخ پیاموزیم که به تعبیر علامه ابوال لاهوری یکی از سه منبع عمده معرفتی ماست.

آرزو

